

## بسمه تعالی

### «مکتب شهید سلیمانی در سیاست خارجی»

هرچند که فعالیت‌های شهید سلیمانی در حوزه سیاست خارجی چون مذاکره با روسیه برای حضور نظامی آنها در صحنه سوریه و یا مجاب کردن کردن ترکیه برای مشارکت در مذاکرات سه جانبه سیاسی مربوط به سوریه، فصل‌های درخشانی از قابلیت‌های ایشان در این عرصه می‌باشد؛ اما مهمترین تأثیر گذاری ایشان را باید در جهت بستر سازی فکری و سیاسی برای شکل گیری سیاست خارجی دانست. این اهمیت وقتی روشن می‌شود که به محیط بین المللی توجه کنیم که سلطه جهانی ابرقدرتها ایجاد کرده بودند و هیچ مجالی را برای یک نظام انقلابی و دینی برای داشتن سیاست خارجی فعال باقی نمی‌گذاشتند. سیاست خارجی، اهداف کشورها را در محیط بین الملل پیگیری می‌کند. اما برای تحقق این امر، مهمتر از فعالیت دستگاه سیاست خارجی، وجود بستر مناسب برای فعالیت در محیط بین الملل می‌باشد.

این معنی از فعالیت در حوزه سیاست خارجی است که می‌توانیم از آن به مکتب شهید سلیمانی در عرصه سیاست خارجی تعبیر کنیم. مکتب شهید سلیمانی در این زمینه را باید برگرفته از مکتبی دانست که در جنگ تحمیلی هشت ساله ایجاد شد. امام اصرار داشتند که پیروزی‌های جنگ هشت ساله را در فتوح نظامی خلاصه نکنند. به تعبیر دیگر پرهیز داشتند که سیاست خارجی صرفاً مبتنی بر پیروزی‌های نظامی شکل بگیرد. امام راحل (ره) جنگ تحمیلی را بگونه‌ای تحلیل کردند که بتواند سیاست خارجی بادوام و اسلامی را به ارمغان آورد. ایشان فرمودند: «ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم. ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم. ما در جنگ، ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی مان را محکم کردیم. ما در جنگ، حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.»

توجه به بیان فوق روشن می‌سازد که مکتب امام و جنگ هشت ساله، فتح دلها را بستر تعیین کننده برای شکل گیری سیاست خارجی می‌شناسد. این راهی بود که پس از سی سال توسط سردار دلها پیموده شد و نسخه بروز شده آن در بستر سازی سیاست خارجی نظام اسلامی بویژه در غرب آسیا تحقق پیدا کرد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مواردی چون تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه را به عنوان پدیده‌های تحقق یافته یا در آستانه‌ی

ظهور ذکر کرده است. این پدیده ها را می توان بستر مستحکمی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی تلقی کرد که نقش بی بدیل شهید عزیز در تحقق آنها بر همه آشکار است. بویژه باید به جهاد بزرگی اشاره کرد که با عنوان دفاع از حرم در سوریه شکل گرفت و توطئه های وسیع استکبار و صهیونیسم را به شکست کشاند.

سوء استفاده ای که دشمنان اسلام از جریان بیداری اسلامی کردند و به نام اسلامگرایی کمر به نابودی مهمترین کشور اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی بستند، تصمیم ورود به بحران سوریه را بسیار سخت و شبیه حرکت بر لبه شمشیر کرده بود. اما تصمیم راهبردی مقام معظم رهبری که شهید سلیمانی پرچم آن را بر دوش کشید، توانست مکتب سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تدوین کند. دفاع از موجودیت یک کشور اسلامی، بهره مندی از امکانات و مناسبات منطقه ای و مدیریت صحیح آنها، پشتیبانی از سنگر های مقاومت ضد صهیونیستی و جهت دهی به مناسبات بین المللی در منطقه غرب آسیا بستر نوینی را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی فراهم نمود.

اما اتفاقی که در عراق شکل گرفت؛ منحصر بفرد و معجزه گونه بود. جنگ با داعش و پیروزی بر آن که با فرماندهی سردار سلیمانی صورت گرفت؛ تنها یک پیروزی صرفاً نظامی نبود و بلکه تحولی عمیق در ادراک عراقی ها از هویت خویش و از دوستان و دشمنانشان را بوجود آورد. عراق نقطه کور سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود که بویژه در جنگ هشت ساله نمود پیدا کرد. می توان گفت که این نقطه کور، حتی پس از سقوط صدام هم اصلاح نشد و با حضور جدی آمریکائیان در عراق که داعش را هم ایجاد کردند؛ پیچیده تر نیز شد. رخ نمود. اما پیروزی بر داعش که به دست این مجاهد بزرگ اتفاق افتاد، توانست این نقطه کور را حل کند. در واقع کار نیمه تمام جنگ هشت ساله را تمام کرد و بستر فعالیت های سیاست خارجی در گام دوم انقلاب اسلامی را همراه نمود. به این ترتیب آن چیزی که می توان به مکتب سیاست خارجی شهید سلیمانی تعبیر نمود؛ عبارت از فعالیت دیپلماتیک هماهنگ با عملکرد حوزه های دیگر کشور و بر پایه بستر سازی فکری، سیاسی و هویتی می باشد.